



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	ه)	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۶ / ۳۰
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص				
عنوان ۲	زکات الأموال				
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال				
عنوان ۴	مسأله دوازدهم: نذر تصدق بر عین زکویه قبل از تکمیل سال (حول)				
عنوان ۵	نظر صاحب عروه: عدم وجوب زکات				
عنوان ۶	تحلیل مبنای فتوای صاحب عروه تفاوت دیدگاه صاحب عروه و شیخ طوسی درباره خروج از ملکیت				
عنوان ۷	دلیل اصلی: «عدم تمکن از تصرف» به عنوان مانع وجوب زکات				
عنوان ۸	مفهوم شناسی شرط «تمکن از تصرف»				
عنوان ۹	تمایز میان عدم تمکن تکوینی (مانند غصب) و عدم تمکن شرعی (مانند نذر)				
عنوان ۱۰	سؤال اصلی بحث: آیا مانع شرعی همانند مانع تکوینی، وجوب زکات را ساقط می کند؟				
عنوان ۱۱	بررسی فروض و صور مختلف مسأله ➤ فرض اول: تعلق نذر به بخشی از مال زکوی ❖ صورت اول و دوم: وفای به نذر قبل از حول و تأثیر آن بر نصاب ❖ صورت سوم: عدم وفای به نذر تا زمان فرارسیدن حول ✓ دیدگاه مختار و نقد مبنای صاحب عروه ✓ تفسیر «قدرت بر تصرف» به قدرت عرفی و تکوینی ✓ عدم مانعیت نذر از وجوب زکات ✓ راه حل: ورود به بحث «تزامم بین دو واجب» ✓ اولویت و اهمیت زکات بر وفای به نذر ➤ فرض دوم: تعلق نذر به تمام مال زکوی				
عنوان ۱۲	جمع بندی نهایی بازگشت به مبنای اصلی اختلاف: گستره شرطیت «تمکن از تصرف»				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

موضوع اصلی جلسه، تحلیل حکم تعارض میان «نذر برای صدقه دادن یک مال» و «وجوب پرداخت زکات» بر همان مال است. این بحث بر اساس مسأله دوازدهم کتاب «عروة الوثقی» شکل گرفت که در آن، فردی پیش از فرارسیدن سال زکوی (حول)، مالی را که به حد نصاب رسیده، نذر صدقه می‌کند.

دو دیدگاه اصلی در این باره مطرح شد:

❖ ۱. دیدگاه صاحب عروه: ایشان معتقدند زکات واجب نیست. مبنای استدلالشان این است که یکی از شروط اصلی وجوب زکات، «تمکن از تصرف» در مال است. از نظر ایشان، نذر یک «مانع شرعی» برای تصرفات دیگر ایجاد می‌کند و این مانع، همانند یک مانع فیزیکی (مانند غصب شدن مال)، شرط «تمکن» را از بین می‌برد و در نتیجه وجوب زکات را ساقط می‌کند.

❖ ۲. دیدگاه مختار: این دیدگاه معتقد است که شرط «تمکن از تصرف» تنها به «قدرت تکوینی» - یعنی توانایی فیزیکی و عملی - بازمی‌گردد و موانع شرعی مانند نذر، این شرط را از بین نمی‌برند. بنابراین، با وجود نذر، وجوب زکات همچنان بر مال باقی است.

بر اساس این دیدگاه، چون هم وفای به نذر و هم پرداخت زکات بر مال واجب شده است، مسأله وارد حوزه «تزامم واجبات» می‌شود. با توجه به جایگاه و اهمیت والای زکات در متون دینی، پرداخت آن «اهم» تشخیص داده شده و بر وفای به نذر اولویت دارد. در نتیجه، فرد موظف است ابتدا زکات مال را بپردازد و سپس اگر مقداری از آن باقی ماند، به نذر خود عمل کند.

بنابراین، ریشه اصلی اختلاف دو دیدگاه، در تفسیر معنا و گستره شرط «تمکن از تصرف» است.

باتوسل به ذیل عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و با استمداد از آن حضرت، مسئلت داریم که توفیق اخلاص در علم و عمل، در تعلم و تعلیم و در هر فعلی که به انجام می‌رسانیم را به ما عنایت فرماید؛ هم توفیق فهم معارفشان و هم توفیق نشر آن را کرامت کند و ما را در عمل به معارفشان، مورد عنایت خاص خویش قرار دهد.

درآمد بحث

بحث ما، پیش از ایام تعطیل، به مسأله یازدهم از مسائل صاحب عروه رسید؛ از مسائلی که ایشان پس از بحث مربوط به شرایط وجوب زکات مطرح کردند. پیش‌تر بیان شد که در باب زکات، مباحث متعددی داریم:

➤ بحث نخست: اصل وجوب زکات بود؛

➤ بحث دوم: شرایط وجوب زکات بود.

مرحوم صاحب عروه پس از آنکه شرایط وجوب زکات را مطرح می‌نماید، مسائلی را عنوان می‌کنند که مسائل مهمی است. از این مسائل که مرحوم صاحب عروه مطرح می‌کند، یازده مسأله را ما قبل از تعطیلات بحث کردیم. بحث امروز ما، مسأله دوازدهم است.

مسأله دوازدهم: نذر تصدق بر عین زکویه قبل از تکمیل سال (حول)

مسأله دوازدهم صاحب عروه این است که می فرماید:

«إذا نذر التصدق بالعین الزکویة، فإن كان مطلقاً غیر موقت ولا معلقاً علی شرط لم تجب الزکاة فیها، وإن لم تخرج عن ملكه بذلك، لعدم التمكن من التصرف فیها سواء تعلّق بتمام النصاب أو بعضه ...»^۱.

بحث در اینجاست که اگر شخصی عینی را که «عین زکوی» است صدقه بدهد؛ یعنی عینی که زکات به آن تعلق گرفته است - حال یا از نقدین است، یا انعام ثلاثه و یا غلات - که نصاب دارد و زکات به آن تعلق گرفته یا زکات به آن تعلق خواهد گرفت، اگر نذر کرد که این عین زکوی را در راه خدا صدقه بدهد؛ برای مثال، شترانی دارد که به حد نصاب زکات نیز رسیده اند و نذر می کند که این شتران را در راه خدا صدقه دهد، یا غلاتی دارد که دارای نصاب هستند و نذر می کند که این غلات را در راه خدا صدقه بدهد؛ و این نذر را نیز مشروط نکرده، نه قید زمانی برای آن قرار داده و نه قید شرطی، چه حکمی دارد؟

نظر صاحب عروه: عدم وجوب زکات

با این شرایط می فرمایند که لم تجب الزکاة علیه. اگر این عین، هنگامی که «حول» فرامی رسد - چون فرض ما این است که این نذر را پیش از فرارسیدن حول انجام داده است - این را الآن بحث خواهیم کرد. اما اگر پس از آنکه حول فرارسید و نصاب هم داشت و زمان پرداخت زکات شد، دیگر اگر نذری هم بکند و آن نذر متعلق به همین عین زکوی باشد، آن نذر باطل است. بحث فعلی ما در این است که نذر، پیش از فرارسیدن حول، یعنی قبل از ماه دوازدهم، منعقد شده باشد.

تحلیل مبنای فتوای صاحب عروه

تفاوت دیدگاه صاحب عروه و شیخ طوسی درباره خروج از ملکیت

مرحوم صاحب عروه می فرمایند که زکات واجب نیست «وإن لم تخرج عن ملكه بذلك». این عبارت «وإن لم تخرج» کنایه ای است به کلام مرحوم شیخ طوسی که عبارت ایشان را می خوانیم که ایشان می فرمایند: «خرج عن ملكه»؛ چون با نذر، وجوب صدقه به آن تعلق گرفته است، با نذر صدقه، این [مال] از ملک او خارج می شود؛ اما مرحوم صاحب عروه می فرمایند که خیر، با نذر صدقه «لم تخرج عن ملكه بذلك»؛ یعنی شرط زکات که باقی ماندن مال در ملک مالک است، منتفی نشده است.

دلیل اصلی: «عدم تمکن از تصرف» به عنوان مانع وجوب زکات

اینجا انتفاء موضوع حاصل نشده است؛ به عبارت دیگر، سالبه به انتفاء موضوع نیست؛ بلکه سالبه به انتفاء حکم است. با آنکه مال هنوز داخل در ملک مالک است و وجوب صدقه به این ملک تعلق گرفته، معذک زکات واجب نیست؛ نه به دلیل اینکه از ملکیت خارج شده، بلکه به دلیلی دیگر، شرط دیگری از شرایط وجوب زکات را فاقد خواهد شد و آن چیست؟ «لعدم التمكن من التصرف فیها».

مفهوم شناسی شرط «تمکن از تصرف»

اصل بحث ما در اینجا خواهد بود که بعد می‌گوییم. اینکه می‌فرماید: «لعدم التمكن من التصرف فيها» بحث مهمی است و قبلاً هم ما به این بحث اشاره کرده‌ایم. گفتیم تمکن از تصرف، شرط وجوب زکات است. یعنی اگر مال از تحت تصرف او خارج شد، به گونه‌ای که دیگر قدرت تصرف در آن مال را ندارد. مثلاً غاصبی مال او را غصب کرده یا مالش در دست کسی است که به هیچ وجه آن را باز نخواهد گرداند. گفتیم چون تمکن از تصرف ندارد، زکات بر او واجب نمی‌شود.

تمایز میان عدم تمکن تکوینی (مانند غصب) و عدم تمکن شرعی (مانند نذر)

لکن این بحث در آنجا مطرح است که آیا این عدم تمکنی که موجب انتفاء وجوب زکات می‌شود یا بگویید مانع از وجوب زکات است آیا این عدم تمکن، شامل «عدم تمکن شرعی» هم می‌شود یا مخصوص «عدم تمکن تکوینی» است؟ گاهی عدم تمکن، یا بگویید عدم وجود قدرت، قدرتی که منتفی می‌شود، قدرت عقلی یا به تعبیری قدرت تکوینی است. در بعضی از عبارات فقها به «قدرت عقلی» تعبیر شده است. یعنی تکویناً قادر نیست؛ حال آنکه مال، از آن اوست، اما غاصبی آن را گرفته یا دولتی اموالش را ضبط کرده است. فرض کنید سکه‌های طلای فراوانی دارد و غاصبی این سکه‌ها را گرفته و نزد خود نگه داشته و به هیچ وجهی اجازه تصرف در این سکه‌ها را به او نمی‌دهد. در اینجا، او تکویناً قدرت ندارد. لکن گاهی قدرت نداشتن، ناشی از یک حکم شرعی است؛ یعنی عدم قدرت، «عدم قدرت شرعی» است، نه عدم قدرت تکوینی. مثل اینکه فرض کنید مال زکوی، با اینکه ممکن است زکات به آن تعلق بگیرد و نصاب زکات را هم دارا باشد، اما به واسطه نذر، صدقه در این مال، شرعاً واجب شده است که بحث ما است؛ بحث ما در جایی است که نذر کرده است که این مال را صدقه بدهد. با اینکه مال در اختیار اوست و قدرت تکوینی دارد؛ منع تکوینی از تصرف در مال وجود ندارد، بلکه منع تشریعی وجود دارد. یا مثلاً فرض کنید - حال نگوییم نذر - مانع شرعی دیگری را در نظر بگیرید؛ فرض کنید با این مال مستطیع شده و باید با آن عازم حج شود. زمان هم قبل از فرارسیدن حول است. اگر این مال تا زمان حول باقی بماند وجوب زکات در آن فعلی می‌شود. حال اگر فرض کنید که باید با این مال به حج می‌رفته و نرفته و حول بر آن مال گذشته است. در اینجا مانع، مانع شرعی است؛ یعنی باید با این مال به حج برود و اگر با آن به حج برود، دیگر نمی‌تواند زکات بدهد، یعنی مالش از نصاب می‌افتد و وجوب زکات از او منتفی می‌شود. اگر حج نرود باید زکاتش را بدهد. آنچه در اینجا مانع از وجوب زکات می‌شود - اگر قائل به آن شویم - مانع تکوینی نیست؛ بلکه مانع شرعی است.

سؤال اصلی بحث: آیا مانع شرعی همانند مانع تکوینی، وجوب زکات را ساقط می‌کند؟

اینجا بحثی است که آن را خواهیم کرد و بحث اصلی ما همین جا خواهد بود که آیا مانع شرعی، همانند مانع تکوینی، وجوب زکات را از بین می‌برد و مانع از وجوب زکات می‌شود؟ یا نه، این مانعیت از وجوب زکات، مخصوص به مانع تکوینی است؟ به عبارت دیگر، تمکن از تصرف که شرط وجوب زکات است، آیا مخصوص به تمکن تکوینی است و شامل تمکن شرعی نمی‌شود؟ یعنی اگر تمکن شرعی نداشت، اشکالی ندارد و زکات در این صورت هم واجب است؟ یا اینکه شامل تمکن شرعی هم می‌شود و باید هم تمکن تکوینی داشته باشد و هم شرعی؟ این نکته در فرمایش مرحوم صاحب عروه با این تعبیر به آن اشاره شده است، متن عروه گرچه به شکل فتوا صادر شده، اما دقیق تنظیم شده است؛ به طوری که بسیاری از قیود آن، اشاره به مباحث مهم فقهی دارد. پس با این عبارت: «وإن لم تخرج عن ملكه بذلک»، کنایه می‌زند به کلام شیخ طوسی. حرف شیخ این است که اگر نذر تصدق کرد، خرج بذلک عن ملكه. اینکه می‌فرماید: «لعدم التمكن من التصرف

فیها سواء تعلّق بتمام النصاب أو ببعضه» اشاره به این بحث است که آیا تمکن در تصرف شرعی هم شرط است یا نه؟ که می‌فرمایند بله، شرط است. از این عبارت معلوم می‌شود که ایشان قائل به این هستند که شخص برای وجوب زکات، هم باید تمکن تکوینی از تصرف داشته باشد و هم تمکن شرعی.

بعد در ادامه می‌فرماید:

«نعم لو كان النذر بعد تعلّق الزکاة وجب إخراجه أولاً...»؛

که این بحث ادامه دارد. فعلاً تا اینجا متن که می‌فرماید: «لعدم التمكن من التصرف فيها سواء تعلّق بتمام النصاب أو ببعضه» می‌خواهیم بحث کنیم.

بررسی فروض و صور مختلف مسأله

در همین بخش از متن مرحوم عروه، چند مطلب قابل بحث است. مطلب اول این است که اگر شخص، نذر تصدّق به عین زکویه بکند قبل از حول. خب، پیش از حول نذر کرده و درعین حال، زکات هم به این مال تعلق می‌گیرد، به این معنا که نصاب زکات را دارد و نذر هم مشروط به شرط خاصی هم نیست. در این صورت، چند فرض وجود دارد.

فرض اول: تعلق نذر به بخشی از مال زکوی

فرض اول این است که همه مال، متعلق نذر نباشد. گاهی مثلاً فرض کنید صد شتر دارد که متعلق زکات می‌شود، یعنی نصاب زکوی دارد، یا صد سکه دارد که نصاب زکات را داراست. گاهی نذری که می‌کند، این است که بخشی از این سکه‌ها را در راه خدا صدقه بدهد؛ نذر کرده «لله علیّ أن أتصدق ببعض هذا المال في سبيل الله». این یک فرض است. فرض دومی که بعداً بحث می‌کنیم این است که نذر، نذر تصدق به «جميع المال» باشد. پس فرض اول را آنجا می‌گیریم که نذر تصدق به «بعض المال» است. خب در اینجا چند صورت متصور است:

صورت اول و دوم: وفای به نذر قبل از حول و تأثیر آن بر نصاب

➤ **صورت اول:** پیش از آنکه حول سر برسد، به این نذر عمل کند. صد سکه دارد و نذر کرده پنجاه سکه را در راه خدا بدهد و قبل از آنکه حول برسد یا قبل از اینکه وجوب زکات فعلی شود، به نذرش وفا می‌کند. خب اگر چنین شد، نسبت به آنچه صدقه داده است که از مالش خارج می‌شود، تکلیفی ندارد؛ اما باقی مانده اگر نصاب داشت، وقتی که حول سر می‌رسد، باید زکات باقی مانده را بپردازد. اما اگر به حد نصاب نرسد زکات واجب نیست. پس این صورت اول است که تعلق نذر به بعض مال باشد و وفای به نذر هم قبل الحول صورت گیرد و باقی مانده نیز واجد نصاب باشد. خب در اینجا حکم معلوم است و آن اینکه باید نسبت به مابقی، زکاتش را بدهد.

➤ **صورت دوم:** همان صورت اول است، منتها مابقی، پس از ادای نذر، نصاب را نداشته باشد. خب اینجا نیز تکلیف معلوم است. مابقی پس از وفای به نذر، وقتی حول سر می‌رسد، نصاب ندارد تا زکات به آن تعلق بگیرد؛ یعنی شرط وجوب زکات که بلوغ نصاب باشد را دارا نیست. اینجا هم تکلیف از ناحیه عدم وجوب

زکات معلوم است. در صورت اول، تکلیف از ناحیه وجوب، معلوم بود، چون مابقی نصاب را دارد و حول هم سر می‌رسد و وجوب زکات فعلی می‌شود اما صورت دوم این بود که متوفر بر نصاب نباشد که حکم معلوم است.

صورت سوم: عدم وفای به نذر تا زمان فرارسیدن حول

صورت سوم: قبل از حول، وفای به نذر نکند. آن دو صورت اول و دوم، مربوط به جایی بود که قبل از حول، وفای به نذر بکند و آن مالی را که نذر تصدقش کرده است، در راه خدا بدهد. صورت سومی که اکنون بحث می‌کنیم، آن است که وفای به نذر نکرده است تا حول سر رسید. این مال اکنون نصاب دارد. در اینجا بحث مهمی مطرح می‌شود؛ یعنی اگر ما نذر صدقه را مانع از وجوب زکات بدانیم - آن چنان که خود صاحب عروه و بعضی دیگر از بزرگان ما قائل اند - در اینجا باید قائل شویم که اگر حول سر رسید، در چنین موردی چون این مال متعلق نذر صدقه است و مانع شرعی وجود دارد، باید این مال را صدقه بدهد و نمی‌تواند زکات بدهد. البته آن بخشی از مال را که صدقه به آن تعلق گرفته یا متعلق نذر صدقه واقع شده است را نمی‌تواند زکات بدهد. نسبت به آن بخشی از مال که نذر صدقه به آن تعلق نگرفته، در اینجا زکات واجب است. اما نسبت به آن بخشی که فرض می‌کنیم صدقه به آن تعلق گرفته، بنا بر مسلک مرحوم صاحب عروه، مسلک شیخ طوسی، مسلک مرحوم صاحب شرایع و تعدادی دیگر همچون مرحوم آقای حکیم رحمته الله علیه، چون مانع شرعی از تعلق زکات وجود دارد، آن بخشی که نذر صدقه به آن تعلق گرفته، وجوب زکات ندارد، اگرچه در وفا به نذر تخلف کرده است.

دیدگاه مختار و نقد مبنای صاحب عروه

تفسیر «قدرت بر تصرف» به قدرت عرفی و تکوینی

ما سابقاً چه گفتیم؟ ما این بحث را قبلاً به شکلی مطرح کردیم. ما گفتیم ظاهر ادله دال بر شرط تمکن از تصرف، این است که آن تمکن از تصرفی که شرط است، یا بفرمایید آن قدرت بر تصرفی که شرط است، «قدرت عرفی» است و قدرت عرفی ظهور در «قدرت تکوینی» دارد. یعنی اگر کسی نمی‌تواند در مالش تصرف کند، یعنی تکویناً نمی‌تواند، گفتیم «لا یقدر» که در روایات آمده^۱، منصرف به «لا یقدر تکوینی» است. پس اگر فقط «لا یقدر شرعی» بود، یعنی «یقدر تکویناً» در اینجا زکات به او تعلق می‌گیرد.

عدم مانعیت نذر از وجوب زکات

خب، بنا بر مسلک ما که قبلاً بیان کردیم و بعداً بیشتر بحث خواهیم کرد، مانع شرعی، وجوب زکات را برطرف نمی‌کند. مانع شرعی، شرط تمکن از تصرف را از بین نمی‌برد. شرط تمکن از تصرف، شرط تمکن عرفی و تکوینی است. قدرت عرفی شرط است.

راه حل: ورود به بحث «تزام بین دو واجب»

در چنین موردی کسی که نذر کرده است نیمی از مالش را که اگر حول بر آن فرابرسد، زکات به آن تعلق می‌گیرد و نصاب هم دارد، در راه خدا صدقه بدهد و حول هم فرارسیده و وفای به نذر هم نکرده است، در اینجا زکات به آن تعلق

۱. از جمله: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي رَجُلٍ مَالُهُ عَنْهُ غَائِبٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى اخْتِذِهِ قَالَ فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ...»؛ [وسائل الشیعة؛ کتاب الزکاة، ابواب من تجب علیه الزکاة، ب ۵، ح ۷].

می‌گیرد. این «يجب التصدق»، مانع از تعلق وجوب زکات نیست. نسبت به کدام بخش؟ نسبت به آن نصفی که نذر به آن تعلق گرفته است. در همین نصفی که نذر صدقه به آن تعلق یافته، زکات واجب است. نصف دوم که تکلیفش معلوم است که اگر نصاب داشته باشد باید زکاتش را بدهد. اما اگر فرض کنیم آن نصف دوم، به تنهایی نصاب را ندارد، باید نصف دوم با نصف اول، هر دو با هم حساب شوند تا نصاب حاصل شود، می‌گوییم اینجا باید زکاتش را بپردازد. بحث صدقه چه می‌شود؟ ما قبلاً گفتیم در اینجا «تراحم بین دو واجب» پیش می‌آید. یعنی یک مال است و دو تکلیف یا واجب مالی به آن تعلق می‌گیرد. همین نصفی که نذر صدقه شده، از طرفی «يجب الوفاء بالنذر» و از طرفی «يجب اداء الزکاة فيه».

اولویت و اهمیت زکات بر وفای به نذر

ما گفتیم در اینجا زکات مقدم است؛ بعضی نذر صدقه را مقدم داشته‌اند. ما گفتیم از ادله شرعی استفاده می‌شود که زکات، در ردیف صلاة است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»^۱. و اینکه عدم ایتاء زکات در آیه‌ای به منزله شرک شمرده شده است: «...وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»^۲ و امثال این آیات و روایاتی که قبلاً اشاره کردیم، نشان می‌دهد که زکات «اهم» است. اگر زکات را داد و چیزی از آن نصفی که برای نذر صدقه معین کرده است باقی ماند، باید به نذرش وفا کند که در این صورت تراحم واجبین پیش نمی‌آید.

خلاصه، اینجا که نصف معینی را نذر کرده صدقه بدهد و بر همین نصف معین هم زکات واجب شده - چرا؟ چون وفای به نذر نکرده تا حول بر این مال گذشته و موضوع تعلق زکات شده است - در این صورت دو وجوب به آن تعلق گرفته است. هم وجوب تصدق دارد چون مورد نذر واقع شده است و هم باید زکات بدهد چون شرایط وجوب زکات را دارد و وجوب تصدق، مانع نیست. اینجا فرق میان کلام ما و کلام مرحوم صاحب عروه و بعضی از فقهاست. فرمایش آقای خویی نیز همین‌گونه است که ما عرض می‌کنیم، که ایشان می‌پذیرند آنچه شرط وجوب زکات است، قدرت عرفی است؛ نه هم قدرت عرفی و هم قدرت شرعی. این در صورتی بود که نذر شامل حصه زکات شود. یعنی به همان حصه‌ای که نذر تعلق گرفته به همان حصه هم زکات تعلق بگیرد. وگرنه اگر حصه اول متعلق تصدق باشد و حصه دوم متعلق زکات باشد هیچ تراحمی بین دو تکلیف نیست. اما بر فرض تراحم واجبین، وجوب زکات مقدم است و اگر چیزی باقی ماند باید نذرش را وفا کند. این از فرض اول که نذر تصدق به بخشی از مال تعلق بگیرد. بخشی از مالی که نصاب زکوی دارد و اگر حول بر آن بگذرد زکات بر آن واجب بالفعل می‌شود.

فرض دوم: تعلق نذر به تمام مال زکوی

فرض دوم آنجایی است که «مجموع المال» متعلق نذر است؛ نذر کرده همه این صد شتر را در راه خدا صدقه بدهد. خب این چگونه است؟ این‌ها نصاب زکات را دارند و متعلق زکات می‌شوند، منتها به شرط فرارسیدن حول. به نظر می‌رسد مفروض مسأله مرحوم صاحب عروه نیز بیشتر همین فرض است؛ یعنی توجه ایشان به این فرض است، چون عبارت: «إِذَا نَذَرَ التَّصَدَّقَ بِالْعَيْنِ الزَّكْوِيَّةِ» ظهور در همین معنا دارد؛ یعنی به کل مال زکویه.

۱. سوره بقره: ۴۳، ۸۳ و ۱۱۰؛ سوره نساء: ۷۷؛ سوره نور: ۵۶؛ سوره مزمل: ۲۰.

۲. سوره فصلت: ۶ و ۷.

جمع بندی نهایی

بازگشت به مبنای اصلی اختلاف: گستره شرطیت «تمکن از تصرف»

اساس در این مسأله عرض کردیم که این مسأله را مرحوم صاحب عروه که می گوید: «إذا نذر التصدق بالعين الزکویة» بعد فتوا می دهند که «لم تجب الزکاة فیها وإن لم تخرج عن ملکہ بذلک» مبتنی بر این است که چون در اینجا مانع شرعی وجود دارد، مانع شرعی مانند مانع تکوینی و عقلی است و اگر مانع شرعی باشد، همچون مانع عقلی و تکوینی، موجب انتفای وجوب زکات می شود؛ زیرا شرط وجوب زکات این است که نه مانع تکوینی در تصرف وجود داشته باشد و نه مانع شرعی. پس اساس این مسأله به کجا باز می گردد؟ به اینکه آیا آنچه مانع از وجوب زکات است، صرفاً عدم تمکن از تصرف تکوینی است یا اعم از عدم تمکن تکوینی و شرعی است؟ این بحثی است که ان شاء الله فردا ادامه خواهیم داد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين